

# بررسی گرامر درس سوم یازدهم

---





**نکته ۴:** اگر قصد انجام عملی را در آینده بیان کنیم، در جواب شرط، بجای **will** میتوان از ساختار **be going to** استفاده کرد:

If Raman **wins** the competition, he **is going to invite** us to dinner next Friday.

"اگه رامان در رقابت برنده بشود، جمعه آینده ما را به شام دعوت خواهد کرد."

**نکته ۵:** در جمله شرط به جای زمان حال ساده میتوان از زمانهای حال استمراری برای اشاره به عملی که هم اکنون در حال

انجام میباشد و زمان حال کامل برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده باشد، هم استفاده کرد:

If you **are studying** your final exams, you **shouldn't use** your cell phone.

"اگه برای امتحانات نهایی در حال مطالعه کردن هستی، نباید از تلفن همراهت استفاده کنی." حال استمراری

If he **has written** the letter, I **will post** it soon. حال کامل "اگه او نامه را نوشته است، من آن را پست خواهم کرد."

حال کامل

**نکته ۶:** بعد از **if** هرگز **will** و یا **would** بکار برده نمیشود:

You will learn a lot **if** you **will** study more.

"تو بیشتر یاد خواهی گرفت اگه بیشتر مطالعه کنی."

# "صفات فاعلی و مفعولی"

افعال بسیار مهم زیر: چنانچه **ed** بگیرند تبدیل به صفت مفعولی برای انسان میشوند. ( در این حالت اثر و نتیجه و احساس انسان به چیزها یا آدمها را نشان میدهند. این صفات اثر پذیر هستند.)

چنانچه **ing** بگیرند تبدیل به صفت فاعلی برای غیر انسان میشوند. ( در این حالت احساس یا حالتی را ایجاد میکنند.)

معنی	صفت فاعلی (ing)	معنی	صفت مفعولی (ed)	معنی	فعل
سرگرم کننده	amusing	سرگرم	amused	سرگرم کردن	amuse
ناراحت کننده	annoying	ناراحت	annoyed	ناراحت کردن	annoy
خسته کننده	tiring	خسته	tired	خسته کردن	tire
کسل کننده	boring	کسل	bored	کسل کردن	bore
آرام بخش	comforting	آرام	comforted	آرام کردن	comfort
گیج کننده	confusing	گیج	confused	گیج کردن	confuse
قانع کننده	convincing	قانع	convinced	قانع کردن	convince
غم انگیز	depressing	غمگین	depressed	غمگین کردن	depress
نا امید کننده	disappointing	نا امید	disappointed	نا امید کردن	disappoint
خجالت آور	embarrassing	خجالت زده	embarrassed	خجالت زده کردن	embarrass
ترغیب کننده	encouraging	ترغیب شده	encouraged	ترغیب کردن	encourage

<b>excite</b>	هیجان زده کردن	<b>excited</b>	هیجان زده	<b>exciting</b>	هیجان انگیز
<b>frighten</b>	ترساندن	<b>frightened</b>	ترسیده	<b>frightening</b>	ترسناک
<b>interest</b>	علاقمند کردن	<b>interested</b>	علاقمند	<b>interesting</b>	جالب
<b>satisfy</b>	راضی کردن	<b>satisfied</b>	راضی	<b>satisfying</b>	راضی کننده
<b>shock</b>	شوکه کردن	<b>shocked</b>	شوکه	<b>shocking</b>	شوکه کننده
<b>surprise</b>	غافلگیر کردن	<b>surprised</b>	غافلگیر	<b>surprising</b>	غافلگیر کننده
<b>worry</b>	نگران کردن	<b>worried</b>	نگران	<b>worrying</b>	نگران کننده

برای فهم این گرامر، به مثالهای زیر و ترجمه آنها دقت کنید:

The children are **excited** because the cartoon is **exciting**.

انسان

غیر انسان

"بچه ها هیجانزده هستند چونکه کارتون هیجان برانگیز است."

The students were **amused** because the lesson was **amusing**.

انسان

غیر انسان

"دانش آموزان سرگرم بودند چونکه درس سرگرم کننده بود."

Our grandma told us an **interesting** story.

غیر انسان

"مادربزرگم برای ما داستان جالبی را تعریف کرد."

The computer had confusing instructions that all of us became confused.

انسان غیر انسان

"کامپیوتر دستورالعملهای گیج کننده ای داشت که همه ما گیج شدیم."

نکته ای بسیار مهم (زبان تخصصی): صفت مفعولی (ed دار) را فقط برای توصیف انسان (کلاً موجودات زنده) بکار میبریم

اما صفت فاعلی (ing دار) هم برای توصیف اشیاء و هم برای موجودات زنده کاربرد دارد:

I'm very *interested* in physics because I think physics is *interesting*.

انسان

غیر انسان

"من خیلی به فیزیک علاقمند هستم چونکه فکر میکنم فیزیک جالب است."

My brother is an *interesting* person. All his jokes are really funny.

انسان ( صفت فاعلی - تاثیر گذار )

"برادرم شخص جذابی است. تمامی جکهای او واقعاً با مزه هستند."

## مصدر با to ( infinitive )

چنانچه شکل ساده یا ریشه فعل، علامت مصدری "to" بگیرد، تبدیل به "مصدر با to" میشود:

to play	بازی کردن	to study	مطالعه کردن	to see	دیدن	to swim	شنا کردن
to work	کار کردن	to walk	قدم زدن	to go	رفتن	to meet	ملاقات کردن

### محل مصدر با to در جمله:

در ابتدای جمله (در نقش فاعل)، فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

**To learn** a foreign language **isn't** difficult.

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست."

**To ride** a horse can be interesting.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد."

**نکته:** در زبان انگلیسی بیشتر به جای مصدر با to در ابتدای جمله، اولویت با اسم مصدر (فعل **ing دار**) میباشد:

**Learning** a foreign language **isn't** difficult.

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست."

**Riding** a horse can be interesting.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد."

بعد صفات چنانچه فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود:

He was very **careful to look** both ways when he crossed the road.

مصدر با to صفت

مهمترین صفاتی که معمولاً بعد از آنها "**مصدر با to**" می آید عبارتند از:

صفت	معنی	صفت	معنی	صفت	معنی
happy	خوشحال	sorry	متاسف	careless	بی دقت
safe	امن - ایمن	forbidden	ممنوع	afraid	ترسیده
surprised	متعجب	anxious	نگران	glad	خوشحال
good	خوب	lucky	خوش شانس	suitable	مناسب
important	مهم	proud	مغرور	easy	آسان
certain	مطمئن	careful	مراقب	sad	غمگین
upset	غمگین	dangerous	خطرناک	fortunate	خوش شانس
ashamed	شرمنده	amazed	هیجان زده	ready	آماده
hard	سخت	difficult	سخت - مشکل	willing	مشتاق



برای بیان مقصد و منظور (هدف) از "**مصدر با to**" استفاده میکنیم:

My father borrowed some money to buy that house.  
مصدر با to

"پدرم کمی پول برای خرید آن خانه قرض کرد."

در حالت عادی، چنانچه جمله ای دارای دو فعل باشد، معمولاً فعل دوم جمله بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود. (به غیر از استثناء های درس دوم که بعد از آنها فعل ing دار یا اسم مصدر میآمد.) فعل دوم در نقش "**مفعول**" برای فعل اول عمل میکنند:

She decided to learn Spanish carefully.  
فعل دوم فعل اول (گذشته ساده)

"او تصمیم گرفت تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."

**نکته:** در این حالت تمامی تغییرات زمانی تنها بر روی "**فعل اول**" جمله روی خواهد داد و همواره فعل دوم بدون تغییر (بصورت مصدر با to) باقی خواهد ماند:

She decides to learn Spanish carefully.  
فعل دوم فعل اول (حال ساده)

"او تصمیم میگیرد تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."

She has decided to learn Spanish carefully.  
فعل دوم فعل اول (حال کامل)

"او تصمیم گرفته است تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."

چنانچه بعد از کلمات استفهامی Wh دار بلافاصله فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

I don't know where to buy a nice shirt.

مصدر با to کلمه wh دار

در ساختار بسیار بسیار مهم زیر فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to + مصدر با ...

It was really difficult (for my students) to answer all the questions correctly.

to be فعل

صفت

مفعول

مصدر با to

برای بیان مقصد و منظور (هدف) از "مصدر با to" استفاده میکنیم:

My father borrowed some money to buy that house.

مصدر با to

"پدرم کمی پول برای خرید آن خانه قرض کرد."

بعد از enough به معنی "کافی" یا "به اندازه کافی" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این ساختار بلافاصله بعد از enough، "اسم" میآید.

Raman doesn't have **enough** money **to buy** that bicycle. "رامان به اندازه کافی پول برای خریدن آن دوچرخه ندارد."  
مصدر با to اسم

بعد از too به معنی "بیش از حد" یا "خیلی" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این ساختار بلافاصله بعد از too، "صفت" میآید. (در این حالت، too به تنهایی جمله را "منفی" میکنند.)

That table was **too** heavy (for him) **to move**. "آن میز برای او بیش از حد سنگین بود که جابجا کند."  
مصدر با to مفعول صفت

به عنوان متمم فاعل، میتوان هم از "اسم مصدر" و هم از "مصدر با to" استفاده کرد:

My favorite hobby is **reading** novels. - My favorite hobby is **to read** novels.  
فاعل اسم مصدر فاعل مصدر با to

بعد از مرتبت اعداد: **the first, the second, the third, the last,...** و نیز بعد از **the only** و **صفات عالی** چنانچه فعلی بیاد آن فعل به صورت "**مصدر با to**" خواهد بود.

Alfred is always the last student **to come** to class. "آلفرد همیشه آخرین نفری است که به کلاس میآید."  
 مرتبت اعداد                      مصدر با to

**نکته ۱:** برای منفی کردن مصدر با to باید قبل از علامت مصدری to قید منفی ساز **not** را اضافه کنیم:

The students promised **not to make** a lot of mistakes. "دانش آموزان قول دادند که اشتباهات زیادی نکنند."  
 مصدر با to

**نکته زبان تخصصی ۷:** بعد از افعال زیر، فعل دوم هم بصورت "**مصدر با to**" و هم بصورت "**ing دار**" خواهد آمد:

<i>like</i>	دوست داشتن	<i>prefer</i>	ترجیح دادن	<i>stop</i>	متوقف کردن
<i>love</i>	دوست داشتن	<i>intend</i>	مایل بودن	<i>need</i>	نیاز داشتن
<i>hate</i>	متنفر بودن	<i>remember</i>	به یاد آوردن	<i>continue</i>	ادامه دادن
<i>begin</i>	شروع کردن	<i>start</i>	شروع کردن	<i>forget</i>	فراموش کردن

Fortunately, my father **stopped smoking**. "خوشبختانه پدرم سیگار کشیدن را متوقف کرد." (توقف برای همیشه)  
 اسم مصدر

I **stopped to buy** a newspaper. "من برای خریدن یک روزنامه توقف کردم." (توقف موقتی)  
 مصدر با to

# کلمات متضاد *Antonyms*

تعدادی از مهمترین کلمات متضاد پایه، سال دهم و یازدهم عبارتند از:

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
ability	توانایی	disability	balanced	متوازن	unbalanced
available	در دسترس	unavailable	calm	خونسرد	angry
borrow	قرض گرفتن	lend	death	مرگ	birth
countable	قابل شمارش	uncountable	decrease	کاهش دادن	increase
die	مردن	live	depressed	ناراحت	glad
appear	ظاهر شدن	disappear	agree	موافق بودن	disagree
exist	وجود داشتن	die	educated	با سواد	uneducated
host	میزبان	guest	exciting	هیجان برانگیز	boring
possible	ممکن	impossible	satisfied	خوشنود	unhappy
luckily	خوش شانس	unluckily	forbid	ممنوع کردن	allow

<b>mental</b>	ذهنی	<b>physical</b>	<b>gain</b>	به دست آوردن	<b>lose</b>
<b>orally</b>	شفاهی	<b>written</b>	<b>healthy</b>	سالم	<b>sick</b>
<b>same</b>	یکسان - مشابه	<b>different</b>	<b>complete</b>	کامل	<b>incomplete</b>
<b>turn on</b>	روشن کردن	<b>turn off</b>	<b>let</b>	اجازه دادن	<b>prevent</b>
<b>useful</b>	مفید	<b>harmful</b>	<b>sadly</b>	متأسفانه	<b>fortunately</b>
<b>honest</b>	صادق	<b>dishonest</b>	<b>slowly</b>	به کندی	<b>quickly</b>
<b>tiny</b>	کوچک	<b>huge</b>	<b>direct</b>	هدایت کردن	<b>indirect</b>
<b>receive</b>	دریافت کردن	<b>send</b>	<b>impatient</b>	بی حوصله	<b>patient</b>
<b>weak</b>	ضعیف	<b>powerful</b>	<b>positive</b>	مثبت	<b>negative</b>
<b>careful</b>	مواظب	<b>careless</b>	<b>sell</b>	فروختن	<b>buy</b>

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
catch	گرفتن	miss	soft	نرم	hard
cheerful	شادمان	upset	traditional	سنتی	modern
wrong	اشتباه	correct	ugly	زشت	pretty
fall	افتادن	rise	warm	گرم	cold
former	پیشین	latter	wellness	سلامتی	illness
remember	به یاد آوردن	forget	worried	نگران	relaxed
rich	ثروتمند	poor	accept	پذیرفتن	reject
safety	امنیت	risk	worthy	با ارزش	unworthy
simple	ساده	difficult	antonym	متضاد	synonym
paradise	بهشت	hell	far	دور	near
attack	حمله کردن	defend	simple	ساده	complicated
future	آینده	past	destroy	تخریب کردن	build
win	برنده شدن	lose	enhance	بالا بردن	reduce
agree	موافقت کردن	disagree	costly	پر هزینه	cheap
cheerful	شادمان	depressed	sure	مطمئن	uncertain